

هو العزيز العليم

توحید

(ماخذ براهین مادیین)

از گفته‌های مادیین و از دعاویشان این مشهود است که دلائل و براهین آنان در حدود حس و تجربه است و در پرچم طرفداران این عقیده باخط برجسته نقش و ثبت است که هر قضیه و مطلبی که خارج و بیرون از حس و تجربه باشد در خور تحقیر و اهانت است روی این اصل انکار وجود مبدء حکیم مینمایند و با حربه حسن باللهین درنبردند و شعارهای زنده دارند و میگویند (فرض‌خدای دانا از بزرگترین خطاهائی است که در مغز انسان رسوخ کرده است) علاوه بر انکار خدا منکر بقاء روح پس از مرگ میباشند چون برهان از طریق حس و تجربه ندارند عده بیشماری طرفدار جدی این عقیده شده زمامدار و صاحبی برای این عالم قائل نیستند

(دقت در گفته‌های مادیین)

طرفداران عقیده بماده اگر بگفته‌های مادیین پی میبردند، صدر و ذیل کلمات آنان را زیر نظر میگرفتند و دقت در مطالبشان میکردند میفهمیدند که آنان من حیث لایسمر موجدند . سیاست زمان یا جس خودخواهی و ادارشان کرده که از هر امر مثبتی انکار و از هر امر منفی انکار و از هر امر ضدی و از هر دو جمله متناقضی انکار مبدء علیم نتیجه بگیرند تو گوئی که آنان عشق مخصوصی بماده بی شعور پیدا کرده‌اند پس بر تیزه‌ای بالای سرشان بوده است که میگفت بهر طرف بغلطید باید انکار انکار بگوئید. در مبحث پریشان‌گوئی آقایان و در بیانات متناقضه آنان این امر واضح خواهد شد تا عرایض ما حمل بر رجز نشود و معلوم گردد که این منکرین از شیاطین انسی و اغوا کنندگان بشرند از طریق مستقیم فطرت .

(علة اشتباه طرفداران مادیین)

چه بسیار مردمی از ظواهر کلمات و براهین علمی معتقدین بماده با اشتباه افتادند. چون گفته‌های آنان رنگ و روغن دار و از طرفی هم خود را طرفدار علم دانسته ادعا دارند که مطالبشان با مبانی و اصول علمی مقرون میباشد اغلب دچار خبط شده خیال میکنند واقعا راست میگویند و حقیقه موجود ازلی همان ماده (اجتماع

ذرات و جزء هائی که با آلات قابل تجزیه نیستند باهم مرکب شوند (بی ادراک و بی شعور است و گمان دارند که این عالم با این نظام احسن، که هر چیزی بجای خویش نیکوست با دست طبیعت بی علم موجود شده و برقرار است .
(طرفداران را بشناسید)

رواج بازار مبتدعین عقاید جدیده از دو طبقه مردم شده است
طبقه اول- آن مردمی عشق و علاقه باین عقیده پیدا کرده اند که سروکارشان با علوم میکانیکی و فیزیک و شیمی بوده است چون فکرشان در همان چهار دیوار علوم تجربی بود و دور میزد و برتر و بالاتر از محیط اوضاع طبیعی افکارشان را جولان نداده خیال میکردند میتوانند آن برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم را در میان آن علوم پیدا کنند و آن علوم را برای پیدا کردن خدا سند رسمی قرار دادند و ماخذ نظر گرفتند، بندو جهد کردند، گفتند و نوشتند بالنتیجه منکر شدند و گفتند خدائی نیست زیر آدرکاسه آب، نه آفتاب و نه کره نورانی هیچ وجود ندارد دروغ است میگویند آفتابی وجود دارد . انصاف دهید آیا محوطه سیر و گردش فکر آنان در پیدا کردن خدا پشابه همان کاسه آب نیست آیا کسیکه مدعی است بیرون از تجربه و حس حکم نمیدهد میتواند حکم قطعی صادر کند و بگوید خدای دانا وجود ندارد در حالیکه سیرسنوات و عوالم ماوراء جونکرده و در میان اعماق زمینها و دریاها فرو نرفته باشد ؟

طبقه دوم - بطوری که تاریخ نشان میدهد شیوع این عقیده و طلیعه آن در ممالکی شده و نشو و نما پیدا کرده که توحید مسیحیت و عقاید روحانیین مسیحی در آنجا حکومت و فرمانفرمایی بجبر و قهر داشته و چون درخور هضم نبود منفجر شده از آن انفجار این مولود نوظهور بوجود آمده البته در مملکتی که مدتها عقیده افراد درباره خدا این بود *خداوند عیسی* (مدت زمانی در شکم مادرش (مریم) زندگی کرده و در آن زندان قرار داشته بعید نیست و نباید تعجب کرد که از آنجا چنین نوظهوری بوجود آید میگویند در مملکت آلمان حزبی است بنام ضد خدا. ولی این حزب ضد خدا فقط در آلمان نیست بلکه افراد با شعور هر مملکتی با چنین خدائی ضدند زیراها او، نداند وهم دوش. شیوع و طلیعه این عقیده ابتداء از آلمان سپس از فرانسه و انگلیس و سوئیس شد و در ایطالیایا شماره معتقدین بماده افزون گردید .

(اعتقاد باصل وجود ضروریست و فهم کنه آن از صلاحیت بشر نیست) ماومادیین هر دو میدانیم که يك وجود ازلی و همیشه کی بنام (واجب الوجود و یا علة الملل) وجود دارد لیکن حقیقت آن هستی مطلق برای ما مجهول است و راهی بمعرفت آن نداریم و این فقط علة الملل نیست

که فهم آن از صلاحیت ما بیرون است بلکه امور دیگری هم هستند که هنوز ما نتوانسته ایم باساس و هویت آنها راه پیدا کنیم مثلا ماهیت نور و حقیقت حیات را نمی فهمیم ولی میدانیم در آسمانها درخشندگانی است. و در روی زمین و اعماق دریا ها جنبندگان و حیواناتی که زندگی میکنند پس تعجب نکنید و در شکفتن نمایند که چطور میشود انسان متوجه چیزی شود و حقیقت آن مجهول و نامعلوم باشد؟ شریعت اسلام همین معنی را درباره خدا در آیات شریفه تصریح نموده است

(توحید در شریعت اسلام)

توحید عبارت از آنست که انسان بمبدء عالم و ذات پروردگار متوجه باشد و بفهمد و بداند که حقیقت و ماهیت او برای انسان درک نمیشود همانطور که امام صادق علیه السلام فرمودند آنچه را که شما تصور کنید و پندارید که آن خداست آن خدا نیست و آن مخلوق فکر شماست و مثل شماست و از سنخ وجود شما خارج نیست (چند کلمه از گوته) یکی از مشاهیر شعراء آلمان که از علما

و دانشمندان نیز بشمار میرود و اغلب کشفیات و صناعات عصر حاضر را پیشگوئی کرده است و دارای آثاری است که ضبط کرده اند میگوید من ابدًا تصور نمیکنم بوجود ذات ماهیت قادر متعال پی ببرم. من میتوانم از تمام تقاید واقعی خود و عبارت اخیری از تمام آنچه را که تا کنون قائل بوده و برشته تحریر در آورده ام اینطور نتیجه بگیرم که : تصور ذات و ماهیت پروردگار برای بشر محال بوده و مخلوق فقط در این موضوع میتواند يك تصور ظاهری داشته باشد و میگوید ما بمثابه آن طفل هستیم که او را بنان قندی ضیافت کنیم کودک متمتع میشود بدون آنکه تصور معرفت بحال صانع آنرا نماید. پرنده كوچك بدون آنکه پروازیدن درخت آلبالو توجه کند دانه های آنرا با نوک خود بر میچیند.

و جرد ازلی محیط است البته محیط نمیتواند احاطه فکری و ارادی بذات و هویت محیط خود نماید و این خود حکم عقل است و هر عاقلی بداهةً بچنین امری گویا است و معنی توحید جز این نیست و بساین مضمون که هیچ عقل و اسمی معرف مقام آن ذات نیست احادیث بسیاری وارد است که این مختصر گنجایش نقل تمام آنها را ندارد (بکتاب احادیث توحید مراجعه شود) بقیه در شماره آینده

((توجیه فرمائید))

چون عده ای تقاضا کرده اند که این نشریه آگاهی های تجارتي بپذیرد بنابر این اعلام میشود که از شماره آینده آگاهی های تجارتي و بنگاه های ملی پذیرفته میشود. بازرگانان محترم و صاحبان بنگاه ها از این فرصت استفاده فرمایند